

تثنيه در نوشته های بعدی



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: دوم پادشاهان ۲۲، نحمیا باب ۹ آیه ۶، ارمیا باب ۷ آیات ۱-۷، مزامیر باب ۱۴۸ آیه ۴، ارمیا باب ۲۹ آیه ۱۳، میکاه باب ۶ آیات ۱-۸، دانیال باب ۹ آیات ۱-۱۹.

آیه حفظی: «لیکن خداوند به پدران تو رغبت داشته، ایشان را محبت می نمود، و بعد از ایشان ذریت ایشان، یعنی شما را از همه قومها برگزید، چنانکه امروز شده است» (تثنيه ۱۰: ۱۵).

یکی از جذابیت های کتاب مقدس، مخصوصا در مورد عهد عتیق، این است که هر چند وقت یکبار به خودش ارجاع می دهد یا اشاره می کند؛ یعنی نویسنده های بعدی در عهد عتیق به نویسنده های قبلی ارجاع می دهند و از نوشته هایشان استفاده کرده و منظورشان را می رسانند. برای نمونه مزامیر باب ۸۱ به کتاب خروج بر می گردد و سپس تقریباً کلمات کلیدی را از مقدمه ده فرمان نقل می کند که مزامیر اینگونه می نویسد: «من یهوه خدای تو هستم، که تو را از سرزمین مصر بیرون آوردم» (مزامیر باب ۸۱ آیه ۱۰).

در سراسر عهد عتیق، پیدایش- مخصوصا پیدایش- به آیه ای همچون آیه مذکور اشاره می کند: «بر زمین نظر افکندم، و اینک بی شکل و خالی بود؛ و بر آسمان، هیچ نور نداشت» (ارمیا باب ۴ آیه ۲۳؛ همچنین به پیدایش باب ۱ آیه ۲ رجوع شود).

و آری، بارها نویسندگان متاخر عهد عتیق، مانند انبیاء، به کتاب تثنيه رجوع می کنند که در زندگی عهدی اسرائیل اولیه که بر پایه عهد بود نقشی محوری بازی می کرد. این هفته ما بر این موضوع تمرکز خواهیم کرد که چگونه کتاب تثنيه توسط نویسندگان متاخر به کار برده شد. آنان چه بخشی از کتاب تثنيه را به کار می بردند و آنها به چه نکاتی اشاره می کردند که به امروز ما مرتبط می باشد؟

*درس این هفته را مطالعه کنید تا برای ۲۰ آذر حاضر شوید.

کتاب شریعت

یوشیای پادشاه، پادشاه یهودا هشت ساله بود وقتی به منصب پادشاهی رسید، و به مدت ۳۱ سال (از سال ۶۴۰ تا ۶۰۹ قبل از میلاد) قبل از مرگش در میدان نبرد، فرمانروایی کرد. در سال هجدهم فرمانروایی اش چیزی اتفاق افتاد که حداقل برای مدتی تاریخ قوم خدا را عوض کرد.

دوم پادشاهان باب ۲۲ را بخوانید. از این حادثه چه درسی می آموزیم؟

کارشناسان خیلی وقت پیش نتیجه گرفتند که «کتاب شریعت» (دوم پادشاهان ۲۲ آیه ۸) کتاب تثبیه بود که ظاهراً برای سالها از دسترسی قوم دور بوده است.

« یوشیا هنگامی که برای اولین بار خواندن توصیه ها و هشدارهای ثبت شده در این نسخه کهن را شنید بسیار تحت تاثیر قرار گرفت. او قبلاً هرگز به صراحتی که خداوند «مرگ و زندگی، برکت و لعنت» را برای اسرائیل مقرر داشته بود پی نبرده بود (تثبیه باب ۳۰ آیه ۱۹)... این کتاب مملو از ضمانتهای خدا از تمایل برای نجات کسانی بود که باید کاملاً به او توکل می کردند. همانطور که رهایی آنها را از اسارت مصریان صورت داده بود، به همان صورت با قدرت کار می کرد تا آنان را در سرزمین موعود مستقر نموده و آنان را راس قوم های زمین قرار دهد» (الن جی وایت، انبیاء و پادشاهان، صفحه ۳۹۳).

در سراسر فصل بعد می بینیم که چگونه یوشیای پادشاه با جدیت تمام در پی «نگاه داشتن فرامین و فرایض او با تمامی دل و جان» بود (دوم پادشاهان باب ۲۳ آیه ۳؛ همچنین به تثبیه باب ۴ آیه ۲۹، تثبیه باب ۶ آیه ۵، تثبیه باب ۱۰ آیه ۱۲، تثبیه باب ۱۱ آیه ۱۳ رجوع کنید). و این اصلاحات شامل طهارت و تقدیس « تمام اعمال کربهی که در سرزمین یهودا و اورشلیم دیده می شد، تا بلکه سخنانی را که در کتابی که حلقیای کاهن در خانه خداوند یافته بود را به انجام رساند» (دوم پادشاهان باب ۲۳ آیه ۲۴).

تثبیه سرشار از پندها و هشدارهایی بود که از اعمال قوم های اطراف بایستی دوری شود. اعمال یوشیا و تمامی چیزهایی که او انجام داد، شامل اعدام کاهنان بت پرستی بود که در سامره بوده اند (دوم پادشاهان باب ۲۳ آیه ۲۰)، این امر را آشکار ساخت که چقدر از حقیقتی که بدان اعتماد کرده بودند دور شده بودند. قوم به جای اینکه در قدوسیت باقی بمانند، با دنیا سازش کردند، حتی با وجود آنکه اغلب فکر می کردند که میانه آنان با خداوند خوب است و از اصلاح سر باز می زدند. چه فریب خطرناکی.

در خانه خود یا حتی در موسسات کلیسایی، باید خود را از چه چیزهایی پاکسازی کنیم تا بتوانیم به واقع، با تمام وجود و قلب خود به خداوند خدمت کنیم؟

فلک الافلاک

تثنیه این مطلب را آشکارا می سازد که شریعت و عهد در کانون قرار داشتند، نه تنها در مورد رابطه قوم اسرائیل با خدا بلکه برای هدف قوم به عنوان قوم «برگزیده» (تثنیه باب ۷ آیه ۶، تثنیه باب ۱۴ آیه ۲، تثنیه باب ۱۸ آیه ۵).

تثنیه باب ۱۰ آیات ۱۲-۱۵ را بخوانید، جائیکه بر ایده شریعت و جایگاه اسرائیل برگزیده تاکید شده است. با این حال منظور کتاب مقدس از « فلک الافلاک » یا زمین و آسمانها، چیست؟ موسی می خواهد با این عبارت به چه چیزی اشاره نماید؟

منظور عبارت « فلک الافلاک » یا عرش به طور مطلق مشخص نشده است، حداقل در این حواشی متن، اما موسی به ابهت، قدرت و عظمت خدا اشاره می کند. یعنی نه تنها خود آسمان بلکه « فلک الافلاک » به او تعلق دارد، بیشتر عبارت مصطلحی که به حکمرانی کامل خدا بر کل خلقت اشاره می کند.

آیات ذیل را بخوانید، که همگی بر اساس عبارتی است که نخست در تثنیه ظاهر می شود. در هر مورد، به چه چیز اشاره شده و چگونه تاثیر تثنیه را در آنجا می بینیم؟
اول پادشاهان باب ۸ آیه ۲۷

نحمیا باب ۹ آیه ۶

مزامیر باب ۱۴۸ آیه ۴

آنچه که در نحمیا باب ۹ به وضوح دیده می شود موضوع خداست به عنوان خالق و کسی که تنها باید پرستش شود. او همه چیز را آفرید، حتی «فلک الافلاک را با تمامی لشکریان» (نحمیا باب ۹ آیه ۶). در واقع، نحمیا باب ۹ آیه ۳ می گوید که او «از کتاب شریعت می خواند»، که بیشتر شبیه زمان یوشیا، کتاب تثنیه که توضیح می دهد چرا چندآیه بعد لاویان در میان حمدوستایش شان از خدا، عبارت «فلک الافلاک» را به کار می بردند که مستقیماً از تثنیه برگرفته شده است.

خدا خالق نه تنها زمین بلکه « فلک الافلاک » است و بعد فکر کنید که همین خدا بر صلیب شد!
چرا پرستش پاسخی شایسته به کاری است که خدا برای ما انجام داده است؟

تثنيه در ارميا

سالها پيش مردی جوان و اهل عرفان، با شور و هیجان در پی حقیقت بود- حال این حقیقت هر چه بود و به هرکجا که هدایت می کرد. سرانجام او آمده، نه تنها به خدا پدر و مسیح ایمان آورد، بلکه ادونتیست روزهفتم را نیز پذیرفت. آیه مورد علاقه او در کتاب مقدس ارمیا باب ۲۹ آیه ۱۳ بود که اینچنین است: «آنگاه که مرا بجوئید، مرا خواهید یافت؛ اگر مرا به تمامی دل خود بجوئید.» سالها بعد به هر حال وقتی که کتاب مقدس خود را می خواند آن آیه را دوباره یافت، اما با رجوع به کتاب تثنيه. یعنی اینکه ارمیا آنرا از موسی گرفته بود.

تثنيه باب ۴ آیه ۲۳ تا ۲۹ را بخوانید. بستر تاریخی این وعده برای اسرائیل چیست و چگونه می تواند به امروز ما مرتبط شود؟

همانطور که دیدیم کتاب تثنيه در دوره حکمرانی یوشیای پادشاه دوباره کشف شد و تحت سلطه یوشیا بود که ارمیا خدمتش را آغاز نمود. هیچ شکی نیست که بعدا تاثیر تثنيه در نوشته های ارمیا دیده می شود.

ارمیا باب ۷ آیات ۱-۷ را بخوانید. ارمیا به مردم می گوید تا چه کاری انجام دهند، و این چگونه با نوشته های کتاب تثنيه می تواند مربوط باشد؟

موسی در تثنيه به دفعات به این موضوع اشاره می کند که وجودشان در سرزمین کنعان مشروط است و اگر نا اطاعتی کنند در مکانی که خدا برایشان انتخاب کرده بود نخواهند ماند. به هشدار ویژه ای در ارمیا باب ۷ آیه ۴ نگاه کنید، و می توان نتیجه گیری کرد که این معبد خدا بود و آری، آنان قوم برگزیده بودند ولی با نا اطاعتی هیچ کدام از اینها اهمیتی نداشت. و این اطاعت شامل این بود که آنان چگونه با بیگانگان، یتیمان و بیوه ها رفتار می کنند- ایده ای که مستقیما به کتاب تثنيه بازمی گردد و برخی از مفاد عهد و پیمانی که بدان متعهدند اینگونه است: «حق غریب یا یتیم را پایمال نکن، و جامه بیوه زن را گرو مگیر» (تثنيه باب ۲۴ آیه ۱۷، همچنین به تثنيه باب ۲۴ آیه ۲۱ رجوع کنید؛ تثنيه باب ۱۰ آیات ۱۸ و ۱۹؛ تثنيه باب ۲۷ آیه ۱۹).

ارمیا ۴ آیه ۴ را بخوانید و با تثنيه باب ۳۰ آیه ۶ مقایسه کنید. در اینجا برای مردم چه پیامی وجود دارد و چگونه این اصل امروزه به همان اندازه در مورد مردم خدا صدق می کند؟

خداوند چه چیزی را ملزم می‌دارد؟

بسیاری از نوشته‌های انبیاء شامل درخواست وفاداری است. و نه تنها وفاداری عادی بلکه وفاداری خاص، وفاداری به عهد تا به آخر، که درست پیش از این که وارد سرزمین موعود بشوند مجدداً مورد تأیید قرار گرفت. این آن چیزی است که کتاب تثبیه شرح می‌دهد: تأیید دوباره عهد خدا با اسرائیل. خداوند هم اکنون پس از گذشت ۴۰ سال سرگردانی، در صدد تحقیق بیشتر وعده‌های عهدش و پایان معامله‌اش بود. بنابراین موسی به آنان هشدار داد تا آنها هم تا به آخر آنرا به انجام رسانند. براستی بیشتر نوشته‌های انبیاء اساساً یکسان بود: که مردم را دعوت می‌کند تا به عهد خود وفادار باشند.

میکاه باب ۶ آیات ۱-۸ را بخوانید. خداوند در اینجا به مردم چه می‌گوید و با کتاب تثبیه چه رابطه‌ای می‌تواند داشته باشد؟ (همچنین به عاموس باب ۵ آیه ۲۴ و هوشع باب ۶ آیه ۶ رجوع کنید)

دانشمندان کتاب مقدس در این آیات در میکاه آنچه را که به عنوان «دادخواست عهد» شناخته می‌شود، دیده‌اند که در آن خداوند «شکایت» می‌کند یا پرونده‌ای را علیه قوم خود به دلیل نقض عهد مطرح می‌کند. در این مورد میکاه می‌گوید که خداوند «شکایتی بر ضد قومش دارد» (میکاه باب ۶ آیه ۲) که در این آیه کلمه «شکایت» می‌تواند به معنای نزاع قانونی باشد؛ یعنی خداوند در حال تشکیل دادخواست قانونی علیه آنها بود، تصویری که حاکی از جنبه حقوقی (علاوه بر رابطه) عهد است. این نیاستی باعث حیرت شود چراکه با تمامی این، در کانون عهد شریعت قرار دارد. در اینجا نیز توجه کنید که چگونه میکاه از زبان کتاب تثبیه پیروی می‌کند: «و اکنون ای اسرائیل، یهوه خدایت از توچه می‌خواهد، جز آنکه از یهوه خدایت بترسی و درهمه راههایش گام برداری و او را دوست بداری و یهوه خدای خود را با تمامی دل و تمامی جان خود عبادت کنی و فرمانهای خداوند و فریاض او را که من امروز برای خیریت تو به تو امر می‌فرمایم نگاه داری» (تثبیه باب ۱۰ آیات ۱۲ و ۱۳). در عوض، میکاه، به جای نقل قول مستقیم، آن را تغییر داده و «حرف شریعت» تثبیه را با «روح شریعت»، که در مورد عدالت و مهربانی است، عوض می‌کند.

آنچه به نظر می‌رسد در اینجا اتفاق می‌افتد این است که دین و پارسایی ظاهری (قربانی‌های بسیار حیوانات، به عنوان مثال، «هزاران قوچ»)، چیزی نیست که رابطه عهد اسرائیل را با خدا تشکیل دهد. این همه زهد و پارسایی ظاهری چه فایده‌ای دارد، به عنوان مثال، «بر مزرعه‌ها طمع می‌ورزند و آنها را غصب می‌کنند؛ برخانه‌ها نیز، و آنها را به چنگ می‌آورند. بر مرد و اهل خانه‌اش ظلم می‌کنند، و بر آدمی و میراثش ستم روا می‌دارند» (میکاه باب ۲ آیه ۲)؟ بر اسرائیل بود تا نور جهان می‌بودند، در مورد آن چیزی که ملل با حیرت می‌گویند: «بدرستی این قوم بزرگ، مردمانی حکیم و فهیمند» (تثبیه باب ۴ آیه ۶). بنابراین، بر آنها بود تا با حکمت و درایت رفتار می‌کردند که شامل رفتار منصفانه توأم با مهرورزی با مردم هم می‌شد.

دعای دانیال

یکی از مشهورترین دعاها در کل عهد عتیق، دعای دانیال در کتاب دانیال باب ۹ می باشد. دانیال زمانی که از نوشته های ارمیای نبی می یابد که زمان «پریشانی» اسرائیل (دانیال باب ۹ آیه ۲)، پس از گذشت هفتاد سال به سر رسیده است، با شور و شوق شروع به دعا می کند. و چه دعایی بود- دعایی تکان دهنده و تضرعاتی که در آن او به گناهان خود و گناهان قومش اعتراف می کند ، در حالی که در عین حال عدالت خدا را در میان بلایی که بر سر آنها آمده است تصدیق می کند.

دانیال باب ۹ آیات ۱-۱۹ را بخوانید. چه موضوعاتی می توانید بیابید که مستقیماً با کتاب تثنیه ارتباط دارد؟

دعای دانیال دقیقاً خلاصه ای از همان چیزی است که قوم در تثنیه در مورد عواقب عدم پایبندی به عهد خود هشدار یافتند. دانیال دو بار به «شریعت موسی» (دانیال ۹: ۱۱ ، ۱۳) اشاره کرد ، که قطعاً شامل تثنیه بود و در این مورد ، ممکن است به طور خاص به آن اشاره شده باشد. همانطور که تثنیه گفته بود آنان از سرزمین وعده(به تثنیه باب ۴ آیات ۲۷-۳۱ و تثنیه باب ۲۸ رجوع کنید) رانده شدند چراکه اطاعت نمی کردند، دقیقاً همان چیزی که موسی در(تثنیه باب ۳۱ آیه ۲۹) به آنان گفته بود که اتفاق خواهد افتاد. چقدر غم انگیز نیز بود که به جای اینکه قوم های اطرافشان بگویند ، « بدرستی این قوم بزرگ، مردمانی حکیم و فهیمند» (تثنیه باب ۴ آیه ۶) ، اسرائیل از طرف همان قوم ها «ملامت» شد (دانیال باب ۹ آیه ۱۶).

در تمام اشک ها و التماس های دانیال ، او هرگز خواسته معمولی را که خیلی ها در هنگام وقوع فاجعه مطرح می کنند ، نمی گوید: «چرا؟» او هرگز درخواست نمی کند زیرا کتاب تثنیه را خوانده بود و دقیقاً می دانست که علت تمامی این اتفاقات چه بود. به عبارتی دیگر، تثنیه به دانیال(و به دیگر تبعیدیان) تاریخچه ای را بیان می کند که در آن به آنان نشان می دهد که اگر شریر به سراغشان آمده است، بطور تصادفی یا تقدیر نبوده بلکه حاصل نا اطاعتی آنان بوده است، دقیقاً در مورد آنچه هشدار یافته بودند. اما، و شاید مهمتر از همه، دعای دانیال این حقیقت را ابراز داشت که علی رغم این حوادث، روزنه امیدی وجود دارد. خدا آنان را ترک نکرده بود، گرچه اینگونه به نظر می رسید. تثنیه نه تنها زمینه ای برای درک وضعیت آنها فراهم کرد ، بلکه به وعده ای برای احیای روابط نیز اشاره داشت.

دانیال باب ۹ آیات ۲۴-۲۷ را بخوانید که نبوت عیسی و مرگش بر صلیب می باشد. چرا این نبوت در چارچوب تبعید اسرائیل و وعده بازگشت باید به دانیال (و به ما) نیز داده شده است؟

اندیشه ای فراتر: «(میکاه باب ۶ آیات ۱-۸) یکی از پر ابهت ترین آیات عهد عتیق است. آن آیات، به مانند عاموس باب ۵ آیه ۲۴ و هوشع باب ۶ آیه ۶، پیام انبیای قرن هشتم را به تصویر می کشد. این بخش با یک مثال زیبا از یک دادخواست عهد شروع می شود که در آن نبی، مردم را احضار می کند تا اتهامی را که یهوه علیه آنها دارد بشنوند. کوه ها و تپه ها هیئت منصفه هستند زیرا آنها مدتهاست که وجود داشته و شاهد معامله خداوند با اسرائیل بوده اند. به جای اینکه مستقیماً اسرائیل را برای پیمان شکنی متهم کند، خداوند از اسرائیل می پرسد که آیا اتهامی علیه او دارند؟ «من چه کاری انجام داده ام؟ چگونه تو را بیزار کرده ام؟» در برابر بی عدالتی ممکن است برخی از افراد فقیر «در انجام کار خسته شده باشند». در مقابل فرصتهای سریع ثروتمند شدن، برخی از مالکان زمین از رعایت قوانین عهد خسته شده اند.» رالف ال اسمیت، تفسیر لغت کتاب مقدس، میکاه-ملاکی، (انتشارات گرند ریپید، ام آی: کتابهای لغت، سال ۱۹۸۴)، جلد ۳۲، صفحه ۵۰.

«در اصلاحاتی که ادامه یافت، پادشاه [یوشیا] توجه خود را به نابودی هر گونه بت پرستی باقی مانده معطوف کرد. مدتها بود که ساکنان این سرزمین در برابر تمثال چوب و سنگ سجده کرده و از آداب و رسوم سرزمین های پیرامونشان پیروی می کردند، به نظر می رسید حذف هر اثری از این شرار آنها تقریباً بیش از توان انسان باشد. اما یوشیا در تلاش برای پاکسازی آن سرزمین استقامت کرد.» الن جی وایت، انبیاء و پادشاهان، صفحه ۱۰۴.

سوالاتی برای بحث:

۱. مطمئناً، ما ادونتیستهای روز هفتم با پیام حقیقت حاضر، خود را (و به درستی) در همان جایگاهی می بینیم که اسرائیل کهن در آن بوده: با داشتن این حقیقت که جهان اطراف نیاز داشتند تا صدایشان را بشنوند. این امتیازی عالی برایمان محسوب می شود. با این وجود، فکر می کنید که چقدر به مسئولیت هایمان به امتیازی که یافته ایم عمل می کنیم؟

۲. تصور کنید که دانیال هستید، که ملت شما را مورد حمله و شکست قرار گرفته است، و می دانید که معبد، مرکز تمام ایمان دینی شما، توسط بت پرستان تخریب شده است. با این حال، چگونه دانش کتاب تثنیه در این زمان برای وی (یا هر یهودی دیگر) حافظ ایمان بود؟ یعنی چطور کتاب به او کمک کرد تا همه اتفاقات را بفهمد و چرا این اتفاق افتاده است؟ به روشی مشابه، درک ما از کتاب مقدس به طور کلی چگونه به ما کمک می کند تا با زمانها و حوادثی روبرو شویم که در غیر این صورت، بدون دانش از کلام مقدس، می تواند برای ما بسیار دلسرد کننده باشد؟ پاسخ مذکور در مورد اینکه کتاب مقدس تا چه اندازه باید کانون ایمان ما باشد، چه می آموزد؟

۳. در کلاس نبوت ۷۰ ساله در دانیال باب ۹ آیات ۲۴-۲۷ را مرور کنید. عهد در آن نبوت چه نقشی دارد و چرا ایده عهد در آن از چنین اهمیتی برخوردار است - و برای ما نیز.